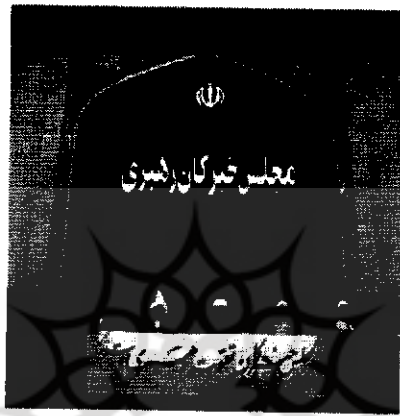


# انتخابات آتی خبرگان

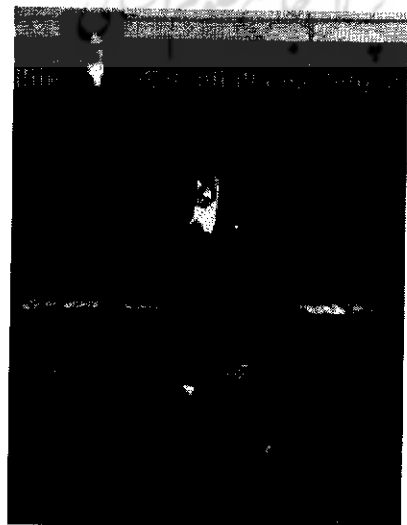
وحید کاظم زاده قاضی جهانی  
Kazemzadeh-q@blogfa.com

می‌شود، جریانی که به دنبال القاء افکار متحجرانه است در حال شکل گیری بوده و مترصد رویارویی با دو جریان اخیر می‌باشد؛ تفکری که در طول حیات امام راحل در برابر افکار آن پیر سفر کرده سنگ اندازی نمود و به قول حضرت امام، کمر وی را شکسته و خون دل‌ها بر حضرتش خوراندند، جریانی که اندیشه‌ی خود را مواجهه با سخن تاریخی "جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر" می‌داند و به نقش مردم در تعیین سرنوشت خود در قالب "مردم سالاری دینی" وقعی نمی‌نهد. با ظهور چنین جریانی در این مجلس به نظر می‌رسد این گروه با دو جریان سنتگرا و اصلاح طلب که به دنبال همگرایی و مقابله با افکار افراط گرایانه می‌باشند در صددند با تمام قوا در انتخابات آتی این مجلس در پاییز سال آینده شرکت نمایند.

گروهی که در سه انتخابات گذشته با عناوین خاص به صحنه آمده و با شعار جوانگرایی پیروز سه دوره گذشته انتخابات بوده اینک در پی آنست تا همچون گذشته در انتخابات آتی مجلس خبرگان شرکت جسته و با طرح شعارهایی عامه پسند از جمله جوان گرایی به مقابله با طرفداران مردم سالاری دینی بپردازد، جریانی که حکومت اسلامی ناب را به جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهد و از سوی برخی مراکز آموزشی و پژوهشی تغذیه فکری می‌شود. در انتخابات دوره نهم عده‌ای با پخش شب‌نامه اطلاعیه، توزیع سی دی و دیوار نویسی با هدف تخریب آیت الله‌هاشمی رفسنجانی در شهرهای بزرگی همچون تهران و قم، بالاخره وی را با شکست در انتخابات مواجه نمودند و این گستاخی‌ها تا آنجا پیشرفت که به بزرگانی همچون حضرات



فرایند تصمیم گیری‌های این مجلس نقش عمده‌ای ایفا نماید و عدم حضور و شرکت افراد موثر آن همچون آیت‌الله سیدجلال الدین طاهری امام جمعه سابق اصفهان در جلسات از نقش آفرینی اساسی این گروه کاسته است. با جمع بندی آرا و نقطه نظرات عده قلیلی از اعضای این مجلس در دو سال گذشته چنین استنباط



مجلس خبرگان رهبری در نظام اسلامی از اهمیت والایی برخوردار بوده و در مورد حساسیت و پیچیدگی مباحث مطرح در جلسات آن شکی وجود ندارد چرا که کار عمده این مجلس در اطراف مسئله رهبری و شخص اول کشور بوده و طبق قانون اساسی و مباحث نظری ولایت امر، نظام اسلامی با وجود رهبر، مشروعیت و دوام یافته و ادامه فعالیت رهبری منوط به تشخیص و رأی و نظر فقهای این مجلس می‌باشد که رهبر نیز به نوبه خود با انتخاب از سوی نمایندگان مردم در مجلس خبرگان مقبولیت و مشروعیت می‌یابد. دکترینی که امیر مومنان علی(ع) در خطبه معروف شششنبه پذیرش خلافت و مسئولیت حکومت و رهبری امت از طرف خویش را جز به حضور و مقبولیت عامه مردمی نمی‌پندارد و کارآمدی نظام اسلامی را بدون مقبولیت در صورت قرار گرفتن معصومی در رأس حکومت و نظام و داشتن مشروعیت الهی، تحقق نیافته و بی‌ثمر می‌داند. پس با عنایت به اهمیت این نهاد در مقایسه با نهادهای دیگر، چنین به نظر می‌رسد که سلامت و پویایی نهادهای دیگر از نهاد رهبری گرفته تا مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، قوه قضائیه و قوای دیگر بسته به سلامت و تعامل عقلانی و قانونمدارانه نمایندگان این مجلس در عمل به وظایف محوله می‌باشد.

در ارزیابی عملکرد سه دوره گذشته این مجلس چنین به نظر می‌رسد که این مجلس متأثر از دو جریان عمده فکری سنتگرایان و میانه‌روها بوده که به دلیل برخورداری سنتگرایان از کرسی‌های بیشتر، این تفکر بر این نهاد غلبه کرده است و میانه‌روها به دلیل ضعف و انفعال هرگز نتوانسته در

آیات جوادی املی، هاشم زاده هریسی و محمدرضا توسلی که از وی حمایت نمودند، توهین و فحاشی گردید و اینک این جریان در تلاش است تا با شعار جوانگرایی به حذف بزرگانی همچون حضرات آیات مشکینی، امینی، هاشمی رفسنجانی، شاهرودی، روحانی و... از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه و شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز و قریب به ۱۲ تن از میانه‌روها و اصلاح طلبان همچون آقایان توسلی، نورمفیدی، طاهری، هریسی، انصاری، موسوی تبریزی



موضوع و نحوه مداحی مرثیه سرایان، مباحثات خارج از حیطه وظیفه کاری و دهها موضوع دیگر نه تنها در شأن مجلس خبرگان رهبری نیست، بلکه بحث‌هایی است که این مجلس را به مباحث حاشیه‌ای رانده و متأسفانه این مجلس را از وظیفه اصلی نظارت باز می‌دارد.

به باور این قلم آنچه از اصل ۱۱۱ قانون اساسی استنباط می‌شود این است که شرایط و اوصاف مذکور در قانون اساسی برای تصدی مقام رهبری، اختصاص به زمان حدوث رهبری ندارد و باید در حال بقاء نیز

محفوظ بماند یعنی در مقام بقاء نیز وظیفه دارند، بررسی و پژوهش کامل نمایند ممتاز می‌باشد.

به باور این قلم تنظیم‌کنندگان بیانیه پایانی این مجلس بایستی موضوع بیانیه را در اطراف نتیجه مباحثات کارشناسی را به وظایف نظارتی از جمله نظارت بر سازمان‌ها و نهادهای تابع رهبری اعم از مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، قوه قضاییه، نیروهای مسلح و قوای دیگر معطوف دارند و از پرداختن به موضوعات دیگر و تعارفات بیهوده پرهیز نمایند و بر این نقطه واقف گردند که رسالت این مجلس فراتر از کاری است که هم‌اکنون انجام می‌پذیرد و در صورت بازخوانی دوباره قانون اساسی توسط خبرگان ملت قطعاً بر آن صحه خواهند گذارد.

نقطه‌ای که در پایان این مقال لازم است به هیئت رئیسه محترم این مجلس متذکر گردم عدم ادله متقن و توجیه عقلی انتخاب ناظر و منظور می‌باشد چرا که اعضای حساس‌ترین کمیسیون این مجلس یعنی کمیسیون تحقیق موضوع اصل ۱۱۱ قانون اساسی که قرار است از نحوه عملکرد رهبر و نهاد رهبری تحقیق کنند هر کدام به نحوی هدایت یکی از دستگاه‌های زیر نظر رهبری را بر عهده دارند. و هیچ عقل سلیمی ارائه صحیح و دقیق گزارش این بزرگان در مورد عملکرد نهادهای زیر نظرشان را خالی از اشکال نمی‌داند و راقم این سطور معتقد است که در جمع ۸۶ نفره خبرگان رهبری، افراد خیره و توانای زیادی یافت می‌شوند که بتوانند در این کمیسیون بیشترین بازدهی و کارایی را داشته و بهترین خدمات ممکن را به انجام رسانند.

که این وحدت نهایتاً به نفع نظام اسلامی بوده و جریان مدافع حذف جمهوریت نظام منزوی خواهد شد.

اگر نسبت به انتخابات و بحث پیرامون آن به همین اندازه بسنده کنیم ضروری‌تر می‌نماید که به بحثی که در سه دوره گذشته این مجلس بدان بها داده نشده بپردازیم و آن رویکرد این مجلس به وظیفه اصلی و مصرح در قانون اساسی است که متأسفانه کمتر بدان پرداخته شده و این مجلس در عمل از نقش عمده و غایی خویش به دور بوده است و به قول یکی از نمایندگان محترم این مجلس بسنده می‌کنم که این گونه اظهار می‌دارد اگر مجلس خبرگان رهبری به وظیفه اصلی خویش اهتمام نوردد اعضای آن نه دنیایی دارند و نه آخرتی، بدین معنی که چون حقوق و مزایایی شامل ایشان نمی‌شود پس دنیایی ندارند و چون به وظیفه محوله‌ای که مردم و قانون اساسی به ایشان سپرده‌اند عمل نکنند در این صورت آخرت ایشان نیز به خطر می‌افتد و در پیشگاه الهی بایستی پاسخگو باشند.

آنچه از مجموع سخنرانی‌ها، بیانیه‌های پایانی، مصوبات و گزارشات کمیسیون اصل ۱۰۸، کمیسیون تحقیق موضوع اصل ۱۱۱، کمیسیون فعال سازی و اجتماعی و نیز از دستور کار جلسات آن برداشت می‌شود، این است که مجلس خبرگان رهبری در طول سه دوره گذشته از آنچه تعریف واقعی حوزه عملکرد و محدوده وظیفه کاری مصرح در فصل هشتم قانون اساسی می‌باشد، کمی دور افتاده است؛ صدور بیانیه پایانی در محکومیت روزنامه‌نگاران و مطبوعات کشور، رسیدگی به

و... که منشاء ولایت را در اراده مردم و خلود دانسته و مردم سالاری دینی را تعریف واقعی جمهوری اسلامی که در دهم و یازدهم فروردین سال ۵۸ با اکثریت ۲۹۸/۲ به تأیید مردم کشور رسیده می‌دانند دست‌زدند. این جریان تلاش دارد روحانیون با تجربه و اندیشمند بزرگی را که در انتخابات ریاست جمهوری با آنها همراه نشدند از مجلس خبرگان کنار گذارند.

این قلم بر این باور است که مفهوم "جوانگرایی" نکته‌ای است که در قالب و روح مجلس خبرگان نگنجیده و شرط سنی و از نسل اول و دوم و سوم بودن افراد در آن نقشی ندارد و آنچه در انتخابات خبرگان نقش اصلی را ایفا نموده و ملاک کاندیداهای اصلح می‌باشد دارا بودن اجتهاد، تجربه کارشناسی لازم و کافی و صلاحیت علمی برای افتاء در ابواب مختلف فقه، آشنایی کامل با فقه اسلامی و آگاهی از زمان و داشتن بینش سیاسی می‌باشد اگر چه نگارنده این سطور به داشتن روحیه و فکر نو، نمایندگانی این مجلس اذعان و اقرار دارد و نمی‌تواند نسبت به اثرات ارزنده آن بی‌اعتنا باشد ولی شرط جوانگرایی اعضای آن را به جهت تجربه ناکافی و عدم پختگی به ضرر نظام اسلامی و رهبری می‌داند چرا که در قشر جوان همواره کفه شور و احساس بر عقلانیت غلبه داشته است. به هر روی با قوت گرفتن این مجموعه فکری به نظر می‌رسد که انسجام و همگرایی عقلایی جامعه مدرسین، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز و مجمع مدرسین حوزه علمیه در انتخابات آتی در جهت مقابله با این تفکرات امری دور از انتظار نخواهد بود